

روابط بین الملل

(۳)

تحول گفتمانی در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

سید جلال دهقانی فیروزآبادی

دهقانی، فیروزآبادی، جلال، ۱۳۴۴
تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران / جلال
دهقانی فیروزآبادی. - تهران: روزنامه ایران، موسسه انتشاراتی، ۱۳۸۴.
۱۶۶ ص.؛ نمودار. - (روابط بین الملل؛ ۱)

ISBN 964-6707-72-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه: ص. [۱۵۵] - ۱۶۶.

۱. گفتگوی تمدن‌ها. ۲. برخورد فرهنگ‌ها. ۳. ایران - روابط خارجی -

۱۳۷۶ - الف. عنوان.

۳۰۳/۴۸۲

ت ۳ CB۲۵۱/د ۹

۱۳۸۴

م ۸۳-۴۰۸۴۸

کتابخانه ملی ایران

تحوّل گفتمانی در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران
سید جلال دهقانی فیروزآبادی
(عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
ویراستار: مریم حقیقی

طراح روی جلد: حسن خدادادی
لیتوگرافی: بهنام
چاپ: میلاد نور
چاپ اول: ۱۳۸۴
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
بها: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۶-۷۲-۶۷۰۷-۹۶۴ / 964-6707-72-6
همه حقوق محفوظ است



مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران
تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۱۲
مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
تلفن: ۸۷۶۱۷۲۰-۱

فهرست

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۱
فصل اول: چهارچوب نظری و تحلیلی.....	۱۷
۱- نظریه تحلیل گفتمان.....	۱۹
۲- تفسیر گفتمانی.....	۲۴
۳- تنازع گفتمانی.....	۲۸
۴- گونه‌شناسی گفتمانی.....	۳۰
یادداشت‌های فصل.....	۳۴
فصل دوم: گفتمان ملی‌گرایی لیبرال.....	۳۷
۱- دولت ملی.....	۳۹
۲- انقلاب اسلامی ایران.....	۵۱
۳- نظام بین‌الملل.....	۵۳
۴- اصول گفتمانی.....	۵۵
یادداشت‌های فصل.....	۵۷
فصل سوم: گفتمان اسلام‌گرایی.....	۶۱
۱- دولت ملی.....	۶۲
۲- انقلاب اسلامی ایران.....	۶۹
۳- نظام بین‌الملل.....	۷۱
۴- اصول گفتمانی.....	۷۳
۵- خرده گفتمانهای اسلام‌گرایی.....	۷۴
یادداشت‌های فصل.....	۷۵
فصل چهارم: گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی.....	۷۹
۱- دولت ملی.....	۸۰
۲- انقلاب اسلامی ایران.....	۸۸
۳- نظام بین‌الملل.....	۹۱
۴- اصول گفتمانی.....	۹۷
یادداشت‌های فصل.....	۹۹
فصل پنجم: گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی.....	۱۰۳
۱- دولت ملی.....	۱۰۴
۲- انقلاب اسلامی ایران.....	۱۱۰
۳- نظام بین‌الملل.....	۱۱۲
۴- اصول گفتمانی.....	۱۱۴
یادداشت‌های فصل.....	۱۱۶

فصل ششم: گفتمان واقع‌گرایی اسلامی	۱۱۹
۱- دولت ملی	۱۲۰
۲- انقلاب اسلامی ایران	۱۲۵
۳- نظام بین‌الملل	۱۲۹
۴- اصول گفتمانی	۱۳۱
یادداشت‌های فصل	۱۳۳
فصل هفتم: گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار اسلامی	۱۳۷
۱- دولت ملی	۱۳۸
۲- انقلاب اسلامی ایران	۱۴۴
۳- نظام بین‌الملل	۱۴۶
۴- اصول گفتمانی	۱۴۸
یادداشت‌های فصل	۱۵۱
نتیجه‌گیری	۱۵۵
فهرست منابع	۱۵۹

پیشگفتار

پارادایم غالب در مطالعه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رئالیسم یا واقع‌گرایی بوده است. اکثر نویسندگان و تحلیل‌گران، اعم از داخلی و خارجی، در چارچوب نظریه‌ها و رهیافتهای مختلف در این قالب فکری به واکاوی ماهیت و رفتار سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. مهمترین ویژگی‌ها و مفروضه‌های نظریه‌های واقع‌گرا، یکسان‌پنداری کشورها، غفلت از نقش و تأثیر قوام بخش ساختارهای غیرمادی و فکری - فرهنگی، زبان، ایدئولوژی - عقلانیت ابزاری و عدم توجه کافی به عقلانیت ارتباطی در سیاست خارجی است. بنابراین، جمهوری اسلامی نیز مانند سایر کشورها و دولت‌ها، دارای منافع مسلم برونزاد و ارجحیتهای پیشین معین است که فارغ از ساختارهای فکری و هنجاری در محیط راهبردی بین‌المللی به پیگیری و تعقیب آن می‌پردازد.

کاریست واقع‌گرایی برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تحلیل‌گر را با نوعی پارادوکس نظری مواجه و به تبع آن به قضاوت ارزشی و پیش‌داوری وادار می‌سازد. زیرا از یک طرف برپایه منطق و مفروضه‌های واقع‌گرایی و ساختارهای غیرمادی مانند فرهنگ، زبان و ایدئولوژی نقش تعیین‌کننده و قوام بخش در تدوین، تعریف و اجرای سیاست خارجی ندارند. اما از سوی دیگر ایدئولوژی و ساختارهای

فکری - هنجاری عملاً یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. این پارادوکس معمولاً واقع‌گرایان را به این جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظری و ارزشی می‌رساند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نادرست و ناکام تلقی کنند. بدون آنکه کوچکترین شک و تردیدی نسبت به صحت و صدق گزاره‌ها و مفروضه‌های واقع‌گرایی روا دارند. در حقیقت واقع‌گرایی نه تنها دانش و معرفت مشروع در مطالعه سیاست خارجی ایران را تعیین می‌کند، بلکه رفتار و عملکرد مشروع را نیز تعریف می‌کند.

حال سوال اساسی این است که چگونه می‌توان بدون افتادن در دام این معضل فکری، نظری و هرگونه قضاوت ارزشی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحلیل و مطالعه کرد. یکی از راه‌حلهای ممکن بکارگیری چارچوبهای مفهومی مبتنی بر نظریه‌های فرااثبات‌گرا در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. رویکردهایی که تعامل عین، ذهن، نقش تکوینی و تقویمی ساختارهای غیرمادی را به رسمیت می‌شناسند. بر اساس این رهیافتها که هستی و معرفت‌شناسی واقع‌گرایی را نقد می‌کنند، حداقل می‌توان در صحت و عمومیت گزاره‌ها و قدرت تبیین این نظریه شک و تردید کرد. به عبارت دیگر، نظریه‌های برون‌گفتمانی در سیاست خارجی، افق‌های جدیدی را برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌گشاید که بسیار فراتر از مطالعات سنتی در این حوزه می‌رود.

بنابراین یکی از دغدغه‌های فکری و دلمشغولیهای ذهنی نویسنده از سال ۱۳۷۶ که تدریس درس "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را شروع کرد، کاریست این رهیافتهای نظری در حوزه مطالعاتی سیاست خارجی ایران بوده است. کتاب حاضر یکی از دستاوردهای این تلاش فکری و مشغله ذهنی است که به مطالعه تحول گفتمانهای سیاست خارجی در جمهوری اسلامی از منظر نظریه تحلیل گفتمان می‌پردازد.

این بحث نخستین بار در سال ۱۳۷۷ به صورت سخنرانی علمی تحت عنوان "گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی ارائه شد. سپس به عنوان یکی از فصول کتاب "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" که در سال ۱۳۷۸ طرح آن به سازمان سمت پیشنهاد و تصویب شد، منظور گردید. اما با مرور زمان آشکار شد که ظرفیت این موضوع و بُعد سیاست خارجی ایران، بسیار فراتر از یک فصل کتاب بوده و در قالب آن نمی‌توان حق مطلب را اداء کرد. در نتیجه تصمیم بر آن شد که مطالب و مباحث در چارچوب یک کتاب مستقل تقدیم محافل علمی و دانشگاهی به ویژه اساتید و دانشجویان ارجمند حوزه مطالعاتی سیاست خارجی ایران شود. جهت ایضاح مطلب و تنویر افکار خوانندگان گرامی، توضیح چند نکته لازم و ضروری است. نخست، هدف این نوشتار تحلیل گفتمانی سیاست و رفتار خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست. بلکه منظور کاریست نظریه یا

روش تحلیل گفتمان برای تبیین گفتمانهای سیاست خارجی و واکاوی فرایند تحول و تکامل آنها در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دوم، تعیین دقیق دوره‌های گفتمانی در سیاست خارجی ایران اگر غیرممکن نباشد حداقل بسیار سخت و دشوار است. لذا زمان‌بندی گفتمانی سیاست خارجی ایران یا تسامح و تساهل علمی صورت گرفته است. در نتیجه بعضی از دوره‌های گفتمانی با هم تداخل و هم‌پوشی زمانی دارند. سوم، حاکمیت یا غلبه یک گفتمان در یک برهه به این معنا نیست که این گفتمان صرفاً در این مقطع زمانی تکوین یافته و شکل گرفته است. زیرا ممکن است زمان تکوین و تقویم یک گفتمان ضرورتاً بر زمان کاربست و غلبه آن در سیاست خارجی منطبق نباشد.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات و الطاف کلیه کسانی که در تهیه، تنظیم و انتشار این مجموعه مرا یاری رساندند، تشکر و قدردانی وافر کنم. بویژه از همسر و پسر عزیز و فداکارم که از حق و وقت خود گذشتند و فرصت و فضای مساعدی را ارزانی داشتند، بی‌نهایت سپاسگزارم. امیدوارم این مختصر که با بضاعت علمی اندک فراهم آمده، مقبول جامعه علمی کشور قرار گرفته و سرآغاز انجام مطالعات دقیقتر و عمیقتر در این عرصه گردد.

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در فرآیند انقلاب اسلامی، گفتمانی هژمونیک شکل گرفت که ریشه در سنت اسلام داشت. این گفتمان انقلابی به بازتعریف بنیادی در حوزه سیاست داخلی و خارجی پرداخت و معیارهای متفاوتی را برای تعریف و تعیین «خود» و «دیگر» در عرصه ملی و فراملی ارائه داد. از سوی دیگر گفتمان مسلط و غالب جهانی را به چالش طلبید و نظم و نسق حاکم بر مناسبات و روابط بین‌المللی را مورد تردید و تهدید قرار داد و کانونهای متعدد مقاومت را در برابر قدرت هژمونیک جهانی بسیج کرد و متغیرهای نوینی را وارد صحنه سیاست بین‌الملل نمود. در نتیجه در بطن گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان‌های متمایز سیاست خارجی متولد شد که در چارچوب آن رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

گفتمان انقلاب اسلامی در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شد و در دورانهای مختلف بر سیما و مشربى متفاوت ظاهر شد. به دنبال تحولات ابر گفتمان انقلاب اسلامی، خرده گفتمان‌های سیاست خارجی نیز دچار دگرگونی و دگردیسی شدند. هریک از این گفتمانها براساس نظام صدقی حاکم بر جامعه بر کانونها، دقایق و عناصر خاصی ابتناء یافتند و مفاهیم کلیدی و محوری را در بستر گفتمانی خود باز تعریف کردند.

بنابراین در طول ۲۵ سال گذشته، گفتمانهای مختلف سیاست خارجی ظهور کردند که به صور مختلفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و

عناصر آن را تحت تأثیر قرار دادند. دال‌هایی چون منافع ملی، قدرت و امنیت ملی، هویت ملی، نظام بین‌الملل و... در بستر هریک از این گفتمانها معانی و مدلولهای متفاوتی یافتند. فراتر از این، تحولات و تغییرات گفتمانی تنها در این محدوده باقی نماند، بلکه تأثیرات شگرفی نیز در اجرای سیاست خارجی برجای گذاشت. به دیگر سخن تحول در حوزه گفتمان‌های سیاست خارجی موجب تغییر و تحول در رفتار سیاست خارجی نیز شد.

از اینرو برای درک و فهم سویه‌ها و درونمایه‌های سیاست خارجی نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، تحلیل و تبیین تشکلهای گفتمانی و نیز گفتمان غالب در هر دوران ضروری است. به بیان دیگر تحولات سیاست خارجی تابعی از تحولات گفتمانی در بستر اجتماعی-سیاسی خاص بوده است که پیامدها و بازتابهای متفاوتی در سیاست خارجی داشته است. بنابراین برای شناخت و درک ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سالهای گذشته، توضیح و فهم گفتمانهای غالب در آن لازم است.

اما با این وجود، این کتاب در صدد تبیین عینی ریشه‌ها و منابع گفتمانهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست. توضیح چگونگی تأثیرگذاری گفتمانهای مختلف بر رفتار سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی و تحلیل دوره‌های گفتمانی آن نیز مد نظر نمی‌باشد. هم‌چنین تعامل و ترابط گفتمانها با عوامل و عناصر و متغیرهای غیرگفتمانی (نهادهای، حوادث سیاسی، فرآیندهای اقتصادی، ساختار و

فرآیند نظام بین الملل و موقعیت ژئوپلیتیکی) نیز مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد. رابطه بین «عین» و «ذهن» یا «ارزش» و «واقعیت» نیز که یکی از موضوعات مهم در مطالعات روابط بین الملل است، در اینجا موضوع مطالعه نیست.

موضوع اصلی در این نوشتار، تعیین و تعریف گفتمانهای مختلف سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران و سیر تحول آنها در دو دهه گذشته از طریق توضیح و توصیف مرکز ثقل، کانون، دقایق و عناصر هریک از آنها می‌باشد. در حقیقت هدف پاسخگویی به این سؤال این است که در طول حیات جمهوری اسلامی، چه گفتمانهایی در سیاست خارجی ایران ظهور کرده است و چه تحولات گفتمانی در آن رخ داده است؟ طبعاً یافتن پاسخ برای این پرسش محوری، مستلزم جوابگویی به سؤالات فرعی و جزئی دیگری است که ناظر بر ابعاد و جنبه‌های متعدد و عناصر گوناگون هریک از این گفتمانها به معنای نظام معنایی خاص می‌باشد: مرکز ثقل این گفتمانها چیست؟ مهمترین ویژگی‌های این گفتمانها کدامند؟ عناصر و دقایق گفتمانی آنها کدامند؟ مفاهیم و دالهای دولت - ملت و نظام بین الملل به چه معنا و مدلولی دلالت دارند؟ آیا تحولات و تغییرات گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تحول «از» یک گفتمان به گفتمان دیگر بوده است یا تغییر «در» گفتمان می‌باشد؟ آیا سیاست خارجی ایران دچار گسست گفتمانی شده است؟

تجزیه و تحلیل تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در هفت گفتار ارائه می‌شود. در گفتار اول، چارچوب مفهومی و

تحلیلی کتاب در قالب نظریه تحلیل گفتمان بحث و بررسی می‌شود؛ چون نظریه‌های جریان اصلی مبتنی بر اثبات‌گرایی قادر نیستند فرآیند تحول گفتمانی در سیاست خارجی ایران را توضیح دهند. گفتار دوم به واکاوی کلان گفتمان ملی‌گرایی لیبرال می‌پردازد که بر سیاست خارجی دولت موقت حاکم بود و تا عزل بنی‌صدر در تیرماه ۱۳۶۰ به‌طور نسبی استمرار یافت. در گفتار سوم، ابرگفتمان اسلام‌گرایی توضیح داده می‌شود. اسلام‌گرایی نخست به صورت پادگفتمان ملی‌گرایی لیبرال بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰، در عرصه گفتمانی سیاست خارجی ایران ظهور کرد. سپس در سال ۱۳۶۰ تاکنون در هیأت و هیبت خرده گفتمانهای مختلف بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم بوده است.

موضوع گفتار چهارم، تبیین آرمان‌گرایی به عنوان یکی از خرده گفتمانهای اسلام‌گرایی است. آرمان‌گرایی اسلامی از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تا خلع بنی‌صدر در تیر ۱۳۶۰ به عنوان پادگفتمان ملی‌گرایی لیبرال مطرح شد. از این تاریخ تا سال ۱۳۶۳ نیز به‌صورت مهمترین گفتمان در سیاست خارجی ایران درآمد. مصلحت‌گرایی دومین خرده گفتمان اسلام‌گرایی است که در گفتار پنجم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این گفتمان پس از پیروزی‌های سرنوشت ساز جمهوری اسلامی در نبرد با نیروهای رژیم بعث عراق و حمایت علنی دو ابرقدرت و سایر کشورهای بزرگ از عراق مطرح گردید و تا پایان جنگ ادامه یافت.

گفتار ششم به تجزیه و تحلیل یکی دیگر از خرده گفتمانهای اسلام‌گرایی یعنی واقع‌گرایی اختصاص دارد. این گفتمان که در درون اسلام‌گرایی شکل

گرفت، در دوران موسوم به سازندگی به جایگاه برتر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دست یافت. سرانجام در گفتار هفتم، خرده‌گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار شرح داده می‌شود. صلح‌گرایی مردم سالار، گفتمان غالب سیاست خارجی ایران در دو دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به عنوان دوران اصلاحات بوده است. در نتیجه‌گیری نیز گزاره‌های منطقی از مباحث مطروحه که در گفتارهای پیش گفته شده استنتاج می‌شود و بدین ترتیب که سیر تحول گفتمان‌های سیاست خارجی را نشان می‌دهد.